

چرا مدیریت شهری یزد سرمایه اجتماعی ندارد؟

واکاوی نقش شورای شهر، شهرداری یزد
در ایجاد یا تخریب سرمایه اجتماعی.

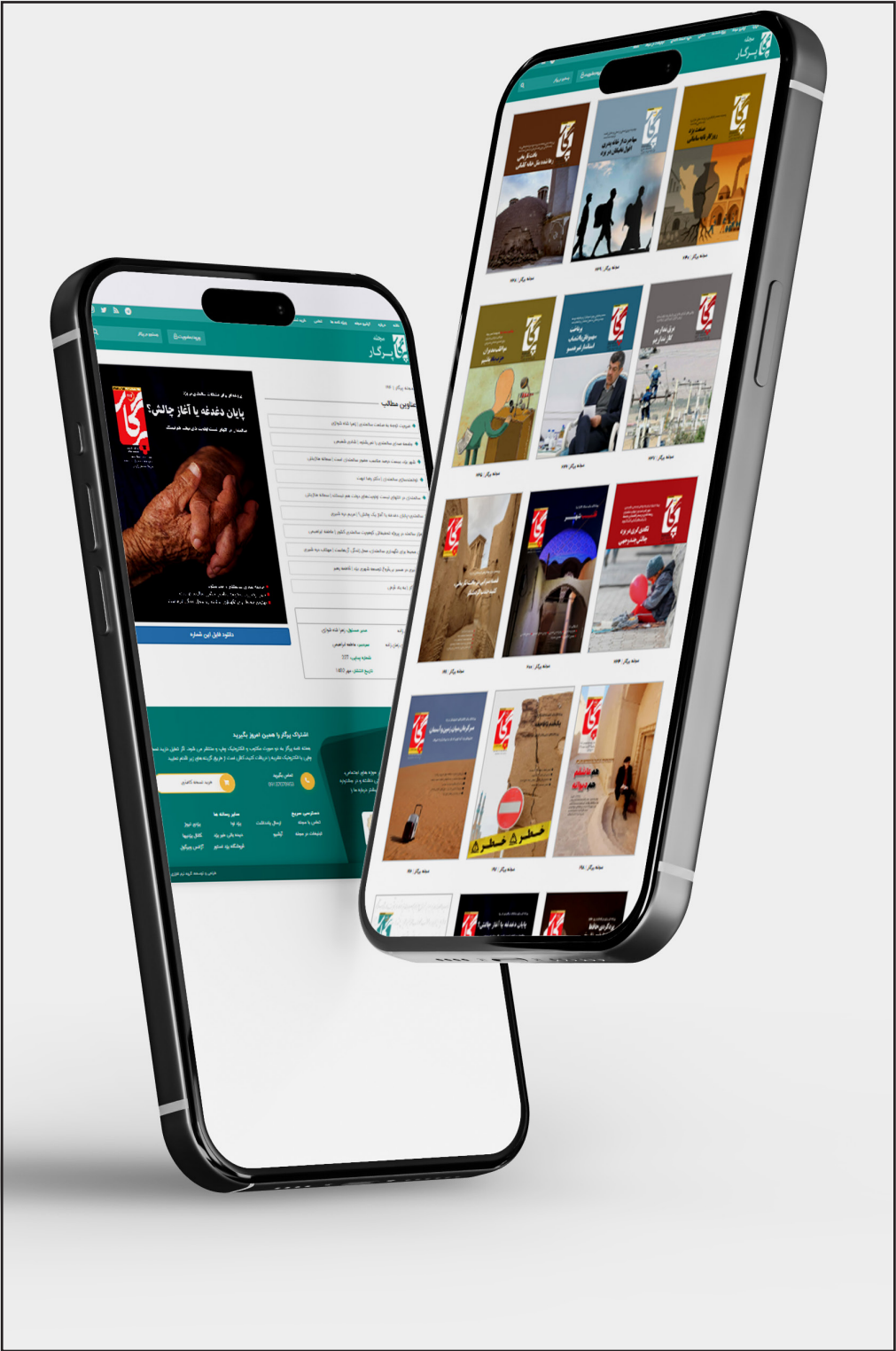
PARGAR MAGAZINE



ISSN 26492383
October 2025 vol.23
No.247 | 50000 Rials

پَرَگَر | سال بیست و سوم
شماره ۲۴۷ | آبان ۱۴۰۴
۵۰ هزار تومان | الکترونیکی رایگان





مجله پرگار از دهه هشتاد در حال فعالیت است و چندین بار انتشار آن متوقف و مجدد از سر گرفته شده است. تا قبل از سال ۱۳۹۲ خورشیدی و در زمان مدیریت پیشین پرگار، ۳۳ شماره نشریه منتشر شده بود.

بعد از تغییر مدیریت و انتشار فصل جدید پرگار در سال ۹۲ که بعد از چند سال تعطیلی صورت میپذیرفت، پرگار بر اساس یک شماره گذاری جدیدی از رقم یک شروع به کار کرد. بر این اساس تا چندی قبل دو شماره در شناسنامه درج میشد شماره نشریه و شماره پیاپی.

به پیشنهاد دوستان اهل نظر از این شماره نشریه، صرفاً رقم شماره پیاپی یعنی شماره انتشار پرگار از زمان صدور مجوز استفاده خواهد شد.

بدین صورت به جای درج دو شماره در روی جلد نشریه با نام های شماره پیاپی و شماره جدید، صرفاً شماره پیاپی نشریه درج و بر این اساس نشریه حاضر، شماره ۲۴۲ پرگار خواهد بود.

برای مطالعه مطالب پرگار میتوانید با عضویت در سایت مجله به راحتی و رایگان به کلیه مطالب دسترسی و حتی شماره های موردنظرتان را دانلود کنید.

WWW.PargarNews.ir



ماهنامه پرگار

شماره شایاکتابخانه ملی:
ISSN 2383-2649

صاحب امتیاز:

نسرین زمان زاده

مدیر مسئول:

مهدی زمان زاده

زیر نظر شورای سردبیری

مجری طرح:

هنر و تجربه ویرگول

صفحه آرایی:

آتلیه طراحی ویرگول

تماس:

یزد - خیابان فهادان، جنب هتل
کورش، پلاک ۷۴

انتشار آکهی:

۰۹۱۹۴۹۶۳۷۳۴

از تمامی علاقه مندان برای همکاری در هفته نامه پرگار دعوت می شود مطالب خود را به ایمیل نشریه ارسال کنند. پرگار نشریه مستقل و متعلق به بخش خصوصی می باشد.

نسخه اینترنتی

www.Pragarnews.ir

“

چرا شهروندان احساس تعلق نمی‌کنند؟

اعتماد، ستون اصلی سرمایه اجتماعی است؛ عنصری که زندگی شهری را ممکن می‌کند، روابط اجتماعی را تقویت می‌کند و توانایی جامعه برای مواجهه با بحران‌ها را افزایش می‌دهد. اما در شهرهای ایران، و یزد به‌ویژه، اعتماد میان شهروندان و نهادهای محلی و همچنین بین خود شهروندان به شکل قابل توجهی کاهش یافته است. بررسی دلایل این کاهش اعتماد، تصویر روشنی از پیامدهای توسعه شهری بدون آینده‌نگری ارائه می‌دهد. در دهه‌های اخیر، یزد شاهد توسعه سریع شهری بوده است؛ توسعه‌ای که

اغلب بر پایه افزایش جمعیت، جذب صنعت و ساخت‌وسازهای اقتصادی بوده و کمتر به نیازهای اجتماعی و روانی مردم توجه شده است. محله‌ها، که زمانی مکان‌هایی برای تعامل، همبستگی و تجربه فرهنگی و اجتماعی بودند، به مرور به فضاهای عبوری و پراکنده تبدیل شده‌اند. ساختمان‌های بلند، کوچه‌های باریک و حذف فضاهای جمعی باعث شده حس تعلق و هویت محله‌ای کاهش یابد.

شهروندانی که حس تعلق به محل زندگی خود ندارند، کمتر به رعایت قوانین اجتماعی و همکاری جمعی تمایل نشان می‌دهند. نتیجه این وضعیت، کاهش اعتماد متقابل میان همسایگان و افزایش بی‌اعتمادی به نهادهای محلی است. مردم تجربه می‌کنند که تصمیم‌های شهری بدون مشورت یا اطلاع‌رسانی شفاف اتخاذ می‌شوند و اثرات آن بر زندگی روزمره آن‌ها تحمیل می‌شود.

شهرداری، شورای شهر و سایر نهادهای محلی وظیفه دارند محیط زندگی مردم را امن، قابل پیش‌بینی و انسانی کنند. اما وقتی تصمیم‌های کوتاه‌مدت، تمرکز بر درآمد و پروژه‌های بزرگ و عدم شفافیت در مدیریت شهری غالب می‌شود، سرمایه اجتماعی و اعتماد شهروندان آسیب می‌بیند. نمونه آن، پروژه‌های شهری که بدون مشورت با ساکنان محله‌ها اجرا شده و باعث از بین رفتن فضاهای عمومی و کاهش کیفیت زندگی شده‌اند. در یزد، محدودیت منابع و فشار اقتصادی باعث شده برخی تصمیم‌های نادرست یا عجولانه اتخاذ شود. کاهش دسترسی به فضاهای عمومی، کمبود خدمات محله‌ای و محدودیت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، تصویر شهری ایجاد کرده که مردم در آن احساس دیده شدن و مشارکت واقعی ندارند. این تجربه مستقیم، باعث کاهش اعتماد میان مردم و نهادهای محلی می‌شود و مردم را به سمت انزوا و دوری از مسائل شهری سوق می‌دهد. کاهش اعتماد پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی دارد. از بعد اجتماعی، همکاری‌های محله‌ای کاهش می‌یابد، مشارکت در برنامه‌های محلی کمتر

می‌شود و جامعه نسبت به مسائل عمومی بی‌تفاوت می‌گردد. از بعد اقتصادی، اعتماد پایین باعث کاهش سرمایه‌گذاری‌های محلی و فعالیت‌های اقتصادی کوچک می‌شود؛ زیرا مردم کمتر حاضرند در محیطی که حس امنیت و همکاری ندارد، هزینه و تلاش کنند. از بعد روانی، کاهش اعتماد به نهادهای محلی و همسایگان، استرس و اضطراب را افزایش می‌دهد و کیفیت زندگی شهروندان کاهش می‌یابد.

بازسازی اعتماد نیازمند اقداماتی چندجانبه است: شفافیت در تصمیم‌گیری: اطلاع‌رسانی دقیق درباره پروژه‌ها و سیاست‌ها و امکان اظهار نظر شهروندان.

مشارکت واقعی مردم: ایجاد شوراهای گروه‌های مشورتی محلی که اثر واقعی در تصمیم‌سازی داشته باشند.

احیای فضاهای عمومی: بازسازی پارک‌ها، میدان‌ها و مسیرهای جمعی که تعامل اجتماعی را افزایش دهند.

توسعه متوازن محله‌ها: سرمایه‌گذاری متناسب در تمام مناطق شهر، کاهش تبعیض در خدمات و ایجاد فرصت‌های برابر.

آموزش و فرهنگ‌سازی: ترویج شهروندی فعال و مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق برنامه‌های محلی و مدارس.

یزد با تاریخ و فرهنگ غنی، ظرفیت آن را دارد که باز هم شهری با سرمایه اجتماعی قوی باشد؛ شهری که مردمش نه تنها به محله و شهر خود تعلق داشته باشند، بلکه به تصمیم‌ها و آینده آن نیز اعتماد کنند. سرمایه اجتماعی، مانند منابع طبیعی، باید حفظ و تقویت شود تا جامعه بتواند در برابر چالش‌ها و بحران‌های آینده مقاوم بماند.

“

نهادهای محلی و ناکارآمدی در بازسازی اعتماد

نهادهای محلی، ستون اصلی تعامل میان مردم و حکومت شهری هستند. شوراها، شهرداری‌ها و دیگر دستگاه‌های محلی وظیفه دارند محیط زندگی شهروندان را بهبود ببخشند، مشارکت اجتماعی را تقویت کنند و اعتماد عمومی را حفظ نمایند. اما در بسیاری از شهرهای ایران، از جمله یزد، این نهادها نتوانسته‌اند اعتماد شهروندان را بازسازی کنند؛ ناکامی‌ای که دلایل متعددی دارد و پیامدهایش بر زندگی روزمره مردم ملموس است. اعتماد اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که شهروندان احساس کنند

تصمیم‌ها منصفانه، شفاف و با مشارکت آن‌ها گرفته می‌شود. نهادهای محلی، به ویژه شوراهای، باید حلقه‌ای باشند که صدا و خواست مردم را به تصمیم‌گیران منتقل کنند و در عین حال، پاسخگوی مردم باشند. وقتی این حلقه درست عمل می‌کند، سرمایه اجتماعی رشد می‌کند و مردم نسبت به نهادها و یکدیگر احساس امنیت و تعلق پیدا می‌کنند.

در یزد، نهادهای محلی با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند: محدودیت منابع مالی، فشارهای سیاسی، اولویت دادن به پروژه‌های بزرگ و کوتاه‌مدت، و نبود شفافیت در مدیریت. نتیجه این است که تصمیم‌ها اغلب بدون مشورت واقعی مردم اتخاذ می‌شوند و اثرات آن بر زندگی روزمره تحمیل می‌شود. وقتی مردم احساس می‌کنند صدای آن‌ها شنیده نمی‌شود، اعتمادشان کاهش می‌یابد و مشارکت فعال در امور شهری کم‌رنگ می‌شود.

یکی از نمونه‌های آشکار ناکامی نهادهای محلی، پروژه‌های شهری است که بدون توجه به نیازهای واقعی محله‌ها و مردم اجرا می‌شوند. پارک‌هایی که تجهیزآنها ناقص است، میدان‌هایی که بدون فضای سایه یا مبلمان مناسب طراحی شده‌اند، و مسیرهای پیاده‌روی که امنیت کافی ندارند، نمونه‌هایی از تصمیم‌هایی هستند که اعتماد عمومی را کاهش می‌دهند. این پروژه‌ها نه تنها باعث کاهش کیفیت زندگی می‌شوند، بلکه پیامدهای بلندمدت اجتماعی و روانی هم دارند.

وقتی نهادهای محلی نتوانند اعتماد مردم را حفظ یا بازسازی کنند، پیامدهای گسترده‌ای به دنبال دارد. مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد، افراد نسبت به امور عمومی بی‌تفاوت می‌شوند و حس مسئولیت‌پذیری جمعی تضعیف می‌شود. همچنین، نارضایتی عمومی می‌تواند به شکل اعتراضات پراکنده، مقاومت در برابر تصمیم‌ها یا حتی ترک شهر خود را نشان دهد. به عبارت دیگر، ناکامی نهادهای محلی، سرمایه اجتماعی و همبستگی جامعه را به خطر می‌اندازد.

یکی از دلایل عمده ناکامی نهادهای محلی در یزد، فشار اقتصادی و محدودیت منابع است. بودجه‌های محدود باعث می‌شود پروژه‌ها ناقص یا کوتاه‌مدت اجرا شوند، نگهداری فضاهای عمومی کاهش یابد و نهادهای نتوانند خدمات متناسب با نیاز مردم ارائه دهند. این وضعیت باعث می‌شود مردم احساس کنند تصمیم‌ها صرفاً بر اساس منافع کوتاه‌مدت یا محدودیت‌های مالی اتخاذ می‌شوند و نه با هدف ارتقای کیفیت زندگی.

راهکارهای بازسازی اعتماد از سوی نهادهای محلی

بازسازی اعتماد نیازمند اقداماتی چندجانبه است. شفافیت و اطلاع‌رسانی درباره برنامه‌ها، بودجه‌ها و اهداف پروژه‌ها باید به گونه‌ای باشد که مردم بتوانند آن را به راحتی درک کنند و احساس مشارکت واقعی داشته باشند. ایجاد مکانیزم‌هایی برای مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، از مشاوره محلی تا رای‌گیری‌های عمومی، می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری و تعلق شهروندان را افزایش دهد. برنامه‌ریزی بلندمدت و توجه به نیازهای آینده شهر، جلوگیری از تصمیم‌های کوتاه‌مدت که اعتماد عمومی را تضعیف می‌کنند، از اهمیت بالایی برخوردار است. نگهداری و مراقبت مستمر از فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، میدان‌ها و مسیرهای پیاده‌روی نیز باعث می‌شود مردم حس کنند محیط زندگی‌شان ارزشمند و امن است. در نهایت، توزیع متوازن خدمات و امکانات در تمام محله‌ها و کاهش نابرابری‌ها، اعتماد شهروندان به نهادهای محلی را تقویت می‌کند و شهر را به محیطی انسانی‌تر و زنده‌تر تبدیل می‌کند.

“

مدیریت شهری و تصمیم‌های کوتاه‌مدت

در بسیاری از شهرهای ایران، تصمیم‌های شهری بیشتر با نگاه کوتاه‌مدت و بر اساس فشارهای لحظه‌ای گرفته می‌شوند تا با درک عمیق از نیازهای مردم و آینده شهر. این نوع تصمیم‌گیری نه تنها کیفیت زندگی روزمره شهروندان را کاهش می‌دهد، بلکه اعتماد آن‌ها به نهادهای محلی را نیز به شدت تضعیف می‌کند. وقتی پروژه‌ها بدون مطالعه کافی، بدون تحلیل دقیق و بدون مشورت با مردم اجرا می‌شوند، شهروندان احساس می‌کنند که صدایشان شنیده نمی‌شود و اثرات تصمیمات بر زندگی روزمره‌شان

تحمیل می‌شود. این تجربه مستقیم باعث کاهش حس تعلق آن‌ها به شهر و محله می‌شود و در بلندمدت، سرمایه اجتماعی را تخریب می‌کند. تصمیم‌های کوتاه‌مدت اغلب با هدف حل فوری مشکلات یا پاسخ به فشارهای سیاسی اتخاذ می‌شوند، اما اثرات بلندمدت آن‌ها می‌تواند آسیب جدی به شهر و جامعه وارد کند. برای مثال، احداث مسیرهای عبوری یا پروژه‌های ساختمانی بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های محلی و نیازهای اجتماعی، به جای حل مسئله، موجب ایجاد مشکلات جدید می‌شود. مسیرهای عبوری نامناسب باعث افزایش ترافیک، آلودگی صوتی و کاهش ایمنی شهروندان می‌شوند. حذف یا محدود شدن فضاهای عمومی، کاهش تعاملات اجتماعی و محدود شدن فرصت‌های جمعی، باعث می‌شود شهر به مکانی صرفاً عبوری و خشک تبدیل شود، جایی که زندگی اجتماعی و فرهنگی تقریباً رنگ باخته است. این روند به تدریج حس تعلق مردم به محیط زندگی‌شان را کاهش می‌دهد و احساس بی‌توجهی و نادیده گرفته شدن را در میان شهروندان افزایش می‌دهد.

فشار اقتصادی و محدودیت منابع نیز یکی دیگر از عواملی است که تصمیم‌های کوتاه‌مدت را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. مدیران شهری در شرایط کمبود بودجه یا زیرساخت‌های ناکافی اغلب مجبور می‌شوند پروژه‌ها را بر اساس نیاز فوری یا فشارهای سیاسی اجرا کنند. این نوع تصمیم‌گیری اگرچه ممکن است مشکلات کوتاه‌مدت را رفع کند، اما در بلندمدت باعث افزایش نارضایتی عمومی و کاهش مشارکت شهروندان می‌شود. وقتی مردم می‌بینند تصمیم‌ها بدون تحلیل دقیق، بدون شفافیت و بدون مشارکت آن‌ها گرفته شده‌اند، اعتمادشان به نهادهای محلی کاهش می‌یابد و این کاهش اعتماد به کاهش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود. جامعه‌ای که در آن سرمایه اجتماعی پایین است، قادر نیست به طور مؤثر با چالش‌ها و بحران‌ها مقابله کند، چرا که همکاری و تعامل اجتماعی میان شهروندان کاهش یافته است.

اثرات روانی تصمیم‌های کوتاه‌مدت نیز قابل توجه است. استرس و اضطراب ناشی از عدم امنیت محیطی، کاهش کیفیت زندگی و کمبود فضاهای اجتماعی، بر سلامت روانی شهروندان تأثیر منفی می‌گذارد. کودکان و نوجوانان کمتر فرصت بازی و تعامل اجتماعی دارند و خانواده‌ها از فعالیت‌های تفریحی جمعی دور می‌شوند. کاهش نشاط اجتماعی باعث می‌شود شهروندان کمتر به محیط شهری خود تعلق پیدا کنند و حس مسئولیت‌پذیری جمعی تضعیف شود. این چرخه معیوب باعث می‌شود که شهر، به جای اینکه مکانی انسانی و پویا باشد، به محیطی خالی از زندگی اجتماعی تبدیل شود.

برای اصلاح این وضعیت، مدیریت شهری باید به آینده‌نگری و برنامه‌ریزی بلندمدت توجه کند. تصمیم‌ها باید بر پایه تحلیل‌های دقیق، مشورت با متخصصان و مشارکت واقعی مردم اتخاذ شوند. شفافیت در تصمیم‌گیری، اطلاع‌رسانی به موقع و امکان اظهار نظر شهروندان، می‌تواند اثرات منفی تصمیم‌های کوتاه‌مدت را کاهش دهد. بازنگری در پروژه‌های نیمه‌تمام، توجه به زیرساخت‌ها و طراحی فضاهای عمومی با کیفیت، از دیگر اقدامات مؤثر است. شهری که تصمیم‌هایش بر اساس تحلیل، مشارکت و آینده‌نگری باشد، اعتماد مردم را بازمی‌گرداند و کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد.

یزد، شهری با تاریخ و فرهنگ غنی، ظرفیت آن را دارد که نمونه‌ای از شهری انسانی و پایدار باشد. شهری که در آن تصمیم‌ها نه فقط پاسخگوی نیازهای امروز، بلکه سازگار با نیازهای فردای مردم است. این تغییر مستلزم تعهد مدیران شهری، برنامه‌ریزی دقیق، توجه به زیرساخت‌ها و فضاهای اجتماعی، و تمرکز بر بازسازی و تقویت سرمایه اجتماعی است. ایجاد فرصت‌های مشارکت واقعی برای شهروندان، احیای فضاهای عمومی، مدیریت بهینه منابع و شفافیت تصمیم‌ها، می‌تواند شهر را به محیطی انسانی‌تر، زنده‌تر و پویا تبدیل کند.

“

فضاهای عمومی خالی و فروپاشی تعامل اجتماعی

فضاهای عمومی قلب هر شهری هستند، مکان‌هایی که مردم می‌توانند در آن قدم بزنند، استراحت کنند، با یکدیگر تعامل داشته باشند و هویت شهری را تجربه کنند. این فضاها محل شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی، تبادل فرهنگی و تمرین شهروندی هستند و به نوعی آینه‌ای از سرمایه اجتماعی و سلامت جامعه محسوب می‌شوند. اما در بسیاری از شهرهای ایران و به ویژه در یزد، این فضاها در سال‌های اخیر به شدت فراموش شده‌اند و کمترین توجه به کیفیت و نگهداری آن‌ها شده است.

یکی از دلایل اصلی این وضعیت، نگاه کوتاه‌مدت و مدیریت ناکارآمد شهری است. بودجه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها اغلب به پروژه‌های بزرگ اقتصادی و ساختمانی اختصاص می‌یابند و فضاهای عمومی که نیازمند مراقبت و سرمایه‌گذاری مستمر هستند، به حاشیه رانده می‌شوند. پارک‌ها و میدان‌های شهری خالی و بی‌روح شده‌اند و مردم دیگر انگیزه‌ای برای حضور در آن‌ها ندارند. نبود فضای مناسب برای تجمع، تفریح و تعامل اجتماعی باعث کاهش حس تعلق شهروندان به محله‌ها و شهر می‌شود. فضاهای عمومی خالی، اثرات روانی قابل توجهی بر شهروندان دارند. حضور در محیط‌های شلوغ و فعال، احساس امنیت، آرامش و تعلق را افزایش می‌دهد؛ در حالی که محیط‌های بی‌روح و خالی باعث انزوا، اضطراب و کاهش کیفیت زندگی می‌شوند. کودکان و نوجوانان فرصت کمتری برای بازی و تعامل با همسالان دارند و خانواده‌ها از فعالیت‌های جمعی محروم می‌شوند. این وضعیت به تدریج حس تعلق و مسئولیت‌پذیری جمعی را کاهش می‌دهد و جامعه نسبت به مسائل عمومی بی‌تفاوت می‌شود. اثرات اقتصادی و اجتماعی نیز ملموس است. فضاهای عمومی جذاب می‌توانند باعث رونق کسب‌وکارهای کوچک و افزایش گردشگری محلی شوند، اما وقتی این فضاها بی‌توجه باقی می‌مانند، فرصت‌های اقتصادی از دست می‌روند. علاوه بر این، حضور کمتر مردم در این فضاها باعث افزایش احساس ناامنی و کاهش نظارت اجتماعی می‌شود؛ مشکلی که کیفیت زندگی شهری را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بعد محیط‌زیستی، پارک‌ها و فضاهای سبز نقش حیاتی در کاهش دما، تصفیه هوا و ایجاد اکوسیستم شهری ایفا می‌کنند. در شهری مانند یزد که با اقلیم خشک و کم‌آبی مواجه است، اهمیت این فضاها دوچندان است. نبود فضاهای سبز کافی باعث افزایش دمای محیط، کاهش کیفیت هوا و محدود شدن امکان تنفس هوای پاک می‌شود و به تبع آن سلامت جسمی و روانی شهروندان آسیب می‌بیند.

راهکارهای عملی برای احیای فضاهای عمومی شامل بازطراحی میدان‌ها و پارک‌ها با تمرکز بر تعامل اجتماعی، افزایش پوشش گیاهی و ایجاد امکانات ورزشی و فرهنگی است. طراحی مسیرهای پیاده‌رو با مبلمان شهری مناسب، ایجاد فضاهای بازی برای کودکان و امکانات رفاهی برای خانواده‌ها، می‌تواند حضور مردم را در این فضاها افزایش دهد. مشارکت مردم در نگهداری و برنامه‌ریزی این فضاها، حس مالکیت و تعلق آن‌ها را تقویت می‌کند و باعث می‌شود فضاها واقعی و زنده باشند، نه تنها یک نما برای گزارش‌های شهری.

فضاهای عمومی خالی، در نهایت بازتاب‌دهنده کیفیت تصمیم‌گیری‌های شهری و توجه به سرمایه اجتماعی هستند. شهری که میدان‌ها و پارک‌هایش خالی و بی‌روح باشد، نشان می‌دهد که ارتباط میان مردم و نهادهای محلی تضعیف شده است. احیای این فضاها نه تنها کیفیت محیط را بالا می‌برد، بلکه پیوند میان مردم و شهر را تقویت می‌کند و شهری انسانی، پویا و قابل زیستن ایجاد می‌کند.

یزد، با تاریخ و فرهنگ غنی خود، ظرفیت آن را دارد که نمونه‌ای از شهری باشد که فضاهای عمومی آن واقعی، فعال و پر از تعامل اجتماعی هستند. بازگرداندن زندگی به میدان‌ها و پارک‌ها، افزایش امکانات فرهنگی و ورزشی و ایجاد فرصت‌های مشارکت واقعی برای مردم، می‌تواند به احیای سرمایه اجتماعی و حس تعلق شهروندان کمک کند. سرمایه اجتماعی، مانند منابع طبیعی، باید حفظ و تقویت شود تا جامعه بتواند در برابر چالش‌ها و بحران‌های آینده مقاوم بماند و شهر محیطی انسانی، امن و زنده برای همه باشد.

